

علیه خشونت بر زنان مبارزه خود را متحد تر کنیم!

جا دارد در روز هشت مارس، یاد مبارزات خواهران میرابل را گرامی بداریم

اسماعیل مولودی

۴۹ سال پیش در ۲۵ نوامبر در جمهوری دومینیکن (سال ۱۹۶۱) در زمان حاکمیت فاشیستی بنام رافائل تورویجلو، سه خواهر مبارز (بنام خواهران میرابل "مینرا، ماریا و ترزا" در شهر سالسیدو در دومینیکن) که برای سرنگونی رژیم فاشیستی رافائل مبارزه میکردند دستگیر و بعد از ماهها شکنجه اعدام شدند. خواهر جوان دیگر آنها بنام بلژیک که بیشتر دده شناخته میشود موزه ای از فعالتهای خواهران اعدام شده اش درست کرده. که مورد توجه مردم جامعه آمریکای لاتین و مردم کارائیب است. در سال ۱۹۸۱ جمعی از کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب روز اعدام خواهران میرابل را به روز مبارزه علیه خشونت بر زنان برسمیت شناختند. در سال ۱۹۹۹ سازمان ملل رسماً روز ۲۵ نوامبر (روز اعدام خواهران میرابل) را بنام روز جهانی علیه خشونت بر زنان را اعلام کرد. اکنون از سال ۱۹۹۹ هر ساله مراسمی بعنوان روز مبارزه علیه خشونت بر زنان در سراسر جهان برگزار میشود که در سال ۲۰۰۰ این روز بنام روز صلح و امنیت در جامعه نام گذاری شده.

خشونت ستمی است که بر بشریت و بخصوص بر زنان از طرف حاکمان و از طرف فرهنگ ضد انسانی مرد سالار بر جامعه اجرا میشود. خشونت تاریخی به قدمت تاریخ بشر دارد. مبارزه علیه خشونت یکی از نقطه گره های مبارزه برای رهایی بشریت و برای برابری زن و مرد در جامعه است. خشونت انواع و اقسام روش دارد. در زمانی خشونت جسمی و کتک زدن بیشتر مرسوم بود. با توجه به پیشرفت جامعه و اعتراضات علیه آن. اجرا و برسمیت شناسی قوانین در کشورهای مختلف باعث شده دامنه خشونت فیزیکی کمتر شود و یا اگر اجرا شود قانونی وجود دارد که متجاوزگر را اکثراً به پای میز محاکمه میبرند. اما خشونتهای روانی و آزار روانی هم خیلی مشکل است آنرا دید و هم اساساً در تنهایی و خفا میشود. در این صورت دیدن و شاهد داشتن برای آن مشکل است. همچنین در اکثر کشورها قانونی علیه آن وجود ندارد.

خشونت از نظر روان شناسی ابزاری است برای کنترل، تحکم کردن بر دیگری و جلوگیری از ابراز نظر مخالف بکار گرفته میشود. در سطح جامعه اساساً رسمیت دادن به خشونت و اشاعه فرهنگ خشونت از طرف حاکمان است تا جامعه را مریض کنند و افراد جامعه را به خشونت عادت دهند. بدلیل اینکه اکثر حاکمان امروز دنیا خود با خشونت سرکار آمدن و یا با خشونت حاکمیت خود را نگهداشته اند. زیرا کسی که مورد تعدی و خشونت قرار میگیرد یاد میگیرد که برای زندگی خود به دیگران تجاوز و تعدی کند. در این فرهنگ مجدداً به شخص یاد داده میشود؛ بکش تا کشته نشوی. این سنت و فرهنگ اساساً حرمت و عزت نفس را در آدمها کم ارزش میکند و همین راهی میشود برای اداره خانواده، اداره جامعه و نیز جزیی از تربیت اجتماعی در جامعه شده و میشود. در خشونت انواع و اقسام و روشهای مختلفی دارد. مثلاً در جوامعی که خشونتهای ناموسی در دو دهه اخیر نشان از برگشتی وحشتناک به عقب با وجود سرکار آمدن مذهب و قدرت گرفتن آن در خاور میانه خشونت را بر زنان صد چندان کرده است. خشونتهای ناموسی گذشته از اینکه صدمه جدی به شخص مورد

تجاوزمیزند عواقبی وحشناک در جامعه دارد که میخواهم در اینجا بدانها کمی اشاره کنم.

عواقب خشونت‌های ناموسی

خشونت ناموسی یکی از غیر انسانی ترین خشونت هاست که دختر، زن یا مرد جوان در خانواده و جامعه قربانی آن هستند. خشونت ناموسی پای مردان جوان را هم میگیرد (که بزور کسی را به عقدش در میآورند و یا اگر تمایلاتی غیر معمول مثل همجنسگرایی داشته باشد) در خشونت ناموسی افرادی که دوستشان داری و یا دوست میداشتند، را دشمن میکند. والدینی که تصمیم میگیرند فرزند خود را بکشند، برادری که همراه عموها و دایی ها تصمیم میگیرند ترا بکشند؟؟؟ اینها جزو غیر انسانی ترین رفتار است، که انسان میتواند و یا بخود جرئت بدهد بهش فکر کند. خشونت ناموسی تنها علیه فردی نیست که سنت را زیر پا گذاشته بلکه تلاشی است برای بقا و تداوم دادن به یک روش غیر انسانی است. در جوامعی که خشونت‌های ناموسی علیه زنان و دختران و پسران جوان اجرا میشود. در اصل تجاوزی است به حرمت انسان و نیز باز سازی دوباره فرهنگ مرد سالار که در دهه های زیادی به یمن مبارزات آزادیخواهانه زنان و مردان برابری طلب به عقب رانده شده بود. در این جوامع که عموما مذهب دست بالا را دارد و یا در حاکمیت است نصف جامعه که زنان باشند رسماً و قانوناً از حقوق انسانی خود محروم اند و دولتها با تقویت فرهنگ غیر انسانی مرد سالار جامعه را به محیطی برای اجرای قوانین آپارتاید جنسی تبدیل میکنند. در قوانین آپارتاید جنسی لازم نیست هر روز آنها را دیکته کنند بلکه اساساً آنها در سنتها و روش زندگی اجتماعی وارد میکنند که آدمها خود همدیگر را کنترل کنند. خشونت ناموسی گذشته از عواقب جسمی ناراحتی های روانی و روحی را در جامعه گسترش میدهد. خودسوزی، خودکشی با مصرف دارو یا انواع وسایل دیگر از عواقب بارز خشونت‌های ناموسی در جامعه است زیرا شخصی که به خودسوزی فکر میکند و یا کسی که به خودکشی فکر میاندیشد نشان میدهد که از زندگی سیر شده و حرمت و کرامت شخصی اش از دست گرفته شده است. کسی که از نظر روانی بیمار نباشد به نابودی فیزیکی و جسمی خود فکر نخواهد کرد و یا نشان میدهد که فشار از اطراف و نیز تهدید و تحقیر شخص را به دامان خود کشی سوق میدهند. این نوع برخورد با جسم و روان، خود ریشه در رفتار، منش و برخورد جامعه دارد. جامعه ای که افرادش چنین افکاری دارند و یا خود در رواج چنین افکاری تلاش میکند مریض و ناسالم است. مثلاً در نظر بگیری " دختر جوانی میخواهد زندگی جوانیش را خوش بگذراند و بر زندگی خود دخالت داشته باشد. اما اطرافیانش به انواع و اقسام روش مانع او میشوند. مثلاً اول نصیحتش میکنند همراه با تهدید، تحقیرش میکنند، از جمع و اطرافیان خود دورش میکنند تا ایزوله و تنها شود. در جامعه هم مکانی نیست که پناه بگیرد، پس نا امیدانه به نابودی جسمی و روحی خود فکر میکند. همه اینها نتیجه فرهنگ ضد انسانی است که آزادی و حقوقش را برسمیت نمیشناسند. عواقبی که خشونت دارد تاثیر جدی بر تربیت نسل آینده میگذارد و نیز همین باعث تداوم خشونت در جامعه خواهد شد. زیرا نسل آینده از اطراف و اکناف زندگی خود یاد گرفته اند و خشونت را بعوان یک پارامتر جدی در زندگی خود به رسمیت میشناسند. فکر کن که نسلی جوان نابودی و آزار روحی و جسمی را برای خود برسمیت بشناسد چه سر نوشتی در انتظارش خواهد بود. عواقب خشونت تنها جامعه حال را در بر نمیگیرد بلکه بصورت سیستماتیک جامعه و زندگی اجتماعی را برای نسلهای آینده دچار انواع و

اقسام بیاری ها خواهد کرد.

در یک نظر سنجی در مورد وضعیت زنان در جامعه ترکیه سال ۲۰۰۴ تقریباً از هر دو زن یکی مورد تجاوز قرار گرفته است. تجاوز جنسی، تحقیر و مورد اذیت و آزار قرار گرفتن جزو زندگی روز مره زنان و دختران در ترکیه است.. برابری زن و مرد در قانون اساسی تأکید شده است. طبق قوانین، تجاوز به زنان حتی در چارچوب روابط زناشویی نیز جرم شناخته می‌شود. با این حال آمار رسمی در باره‌ی اعمال خشونت علیه زنان در این کشور نشان می‌دهد یک زن از هر دو زن، قربانی خشونت شده و یا بطور روزانه قربانی خشونت می‌شوند..

طبق آماردیگری از سازمان بنیاد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۴ "در باره‌ی شکاف بین جنسیت، زنان و مردان" در بازار کار، ترکیه در بین ۱۱۵ کشور مقام ۱۰۵ را دارد. در نظر بگیریید در ایران که آپارتاید جنسی قانونی و رسمی است وضعیت چگونه باید باشد؟؟؟؟!!!

در روز هشتم مارس جادارد که یاد آور شویم. برای بهتر شدن وضعیت زنان در جامعه باید تلاش کرد مبارزات روز مره آنها را بهر صورت ممکن تقویت و گسترش داد. باید در مسئله برابری زن و مرد به این دقت شود که مردان آزاده، در صف اول مبارزات زنان باشند زیرا مسئله برابری زن و مرد کار زنان نیست به تنهایی کار همه انسانهای برابری طلب میباشد و این را باید به فرهنگ اجتماعی انسانها تبدیل کنیم.

روز هشت مارس روز قدردانی از مبارزات زنان و زنده کردن خاطره مبارزه همگی زنان مبارز در تاریخ و از جمله مبارزات خواهران میرابل علیه فاشیسم در دومینیکین.

زنده باد مبارزات هشتم مارس برای برابری انسانها